



# مهمترین هدف:

حبیب محمدی محمدی

## تربیت هنر مند متعهد

چند و چون آموزشگاه آزاد مهارتی داستان نویسی حوزه هنری از زبان مدیر جدیدش

آموزشگاه آزاد مهارتی داستان نویسی حوزه هنری در پی تصویب استاندارد پیشنهادی حوزه از سوی وزارت آموزش و پرورش در تابستان ۱۳۷۷ پا گرفت و در حالی که از آن با عنوان «هنرستان ادبیات داستانی» نام برده می‌شد و جواد جزینی عهده‌دار مدیریت آن بود، در نیمه دوم همان سال از علاقه‌مندان داستان و فراگیری آموزشهایی در این وادی گسترده نام نویسی کرد.

بکصدویبنجاه ورودی برای چنین مرکزی که توانسته بود به لطف ارتباطهای وسیع مدیریت آن، دست به بهترین و در عین حال، ارزان ترین نوع تبلیغ بزند، آمار خوبی می‌تواند باشد، اما شرکت کردن فقط حدود یک چهارم این افراد در آزمون نهایی، چیزی است که باید بیشتر به آن توجه کرد. هرچند که پذیرفته شدن تمام هنرجویان در این آزمون هم، امتیاز مثبتی برای این مرکز آموزشی و مدیریتی به شمار می‌رود. اطلاع از چند و چون فعالیت این آموزشگاه باید ما را رودرروی جزینی می‌نشانند، اما در شرایطی که او پس از چهار سال، دیگر مسوول این سمت نبود و جایش را به حسین نیک‌آیین داده بود، باید به سراغ مدیریت جدید می‌رفتیم و یا او به گفت‌ووشنود می‌نشستیم. گرچه در فاصله کوتاهی که با او قرار مصاحبه داشتیم، برای گرفتن ارتباط با مدیر قبلی آموزشگاه تلاشهایی صورت گرفت تا در همان مجال کوتاه، آمار و ارقامی را که به گفته نیک‌آیین جایی به ثبت نرسیده‌اند، از زبان جزینی بشنویم، اما این تلاشها ره به جایی نبرد. حسین نیک‌آیین، مدیر فعلی آموزشگاه، مدیریت هنرستانهای کار دانش حوزه هنری را نیز برعهده دارد، اما با وجودی که «هنرستان ادبیات داستانی» هم زیر نظر او اداره می‌شود، محور این گفتگو، آموزشگاه مهارتی داستان نویسی است.

شویم، چیزی با عنوان آموزشگاه آزاد هم قابل راه‌اندازی است که قوانینش مثل دو تای قبلی نیست. در دسته‌بندی اعتبار مدارک آموزشی هم، دو گروه وجود دارد: برون‌سازمانی و درون‌سازمانی. مدرک برون‌سازمانی به چیزی اطلاق می‌شود که تمام نهادها و وزارتخانه‌های کشور آن را به رسمیت می‌شناسند و مدرک درون‌سازمانی، مدرک غیررسمی‌ای است که از سوی مراکز مختلف پذیرفته نیست و صرفاً در همان مجموعه‌ای که مدرک را صادر کرده اعتبار دارد. در بحث هنرستان، آموزشگاه آزاد با تغییر ماهیت آموزشی - نه ماهیت فیزیکی - نسبت به هنرستانهای روزانه و بزرگسالان یک مرکز آموزشی رسمی تلقی می‌شود و مدرک آن اعتبار برون‌سازمانی دارد. حوزه هنری برای شاخه کار دانش دوره متوسطه، ۹ استاندارد طراحی کرد و سهمی در تولید نیروی آشنا به وادی هنر پذیرفت. جایی که وزارت ارشاد، طراحی صحنه، کارگردانی، بازیگری، طراحی پوستر و از این دست رشته‌ها را در آموزش خود جای داده بود، حوزه هم رشته‌های مرتبط با نوع فعالیتش را مدنظر قرار داد که داستان‌نویسی هم یکی از آنهاست، برخلاف آنچه با عنوان ادبیات داستانی مصطلح شده است، استاندارد این رشته در حوزه هنری نوشته شد و به آموزش و پرورش رفت. با این ضمانت که حوزه، رشته داستان‌نویسی را با این استاندارد آموزش

● ما به مسئولان آموزش و پرورش گفتیم که دست کم مشاوران و کارشناسانشان را نسبت به رشته داستان نویسی توجیه کنند تا وقتی کسی به آنها مراجعه می‌کند، اظهار بی‌اطلاعی نکنند و بدانند که گرایشها، زیرمجموعه‌ها و آینده این رشته چیست.

● در ابتدای تأسیس این آموزشگاه از آن به عنوان «هنرستان ادبیات داستانی» نام برده می‌شد، اما اکنون از عنوان کوچک و محدودتر آموزشگاه یا مرکز آموزشهای مهارتی استفاده می‌شود. آیا این تغییر، برخاسته از تصمیم حوزه است یا قوانین وزارت آموزش و پرورش؟

جواب این سؤال خیلی وسیع است. همانطور که می‌دانید، هنرستان، تعریف مشخصی دارد. هنرستان، به واحد آموزشی گفته می‌شود که، اداره آموزش و پرورش منطقه، مستقیماً حکم مدیریت را صادر کند، اداره نوسازی مدارس، هنرستان را از لحاظ فیزیکی و ساختمانی تأیید کند و نیروها، معلمان و استادانش از سوی گزینش آموزش و پرورش مورد تأیید قرار گرفته باشند. هنرستان مثل دبیرستان است، فقط رشته‌ها و مواد آموزشی‌اش با آن فرق می‌کند. وگرنه در قوانین دیگر مثل هم هستند. مثلاً در یک دبیرستان پسرانه هیچ دختری رفت‌وآمد نمی‌کند، در هنرستان هم همینطور. صبحگاه، زنگ تفریح، ساعت آمد و رفت و... بین دبیرستان و هنرستان شبیه به هم و یکسان است. فقط محتوای آموزشی در هنرستان فرق می‌کند و به جای آنکه شما دروس دبیرستان را بخوانید، براساس رشته‌ای که انتخاب کرده‌اید، دروس هنری را می‌گذرانید. هنرستان، یا روزانه است یا بزرگسالان و اگر از این دو مقوله خارج



می‌دهد. او هم نه به جهت تخصصی، بلکه از نظر ماهیتی، استاندارد را بررسی و تصویب کرد.

● **صرفاً برای اینکه با رشته‌های مهارتی دیگر در تعداد واحد و... تناسب داشته باشد؟**

بله. حتی ما به مسئولان آموزش و پرورش گفتیم که دست‌کم مشاوران و کارشناسان خودشان را نسبت به این رشته توجه کنند و وقتی کسی برای گذراندن این رشته به آنها مراجعه می‌کند، اظهار بی‌اطلاعی نکنند. بدانند که گرایشش، زیر مجموعه‌هایش و آینده‌اش این است. آموزش و پرورش آمد و این استاندارد را تصویب کرد. حالا کسی که استانداردش در آنجا تصویب می‌شود، هم می‌تواند هنرستان دایر کند و هم آموزشگاه آزاد - که البته هر کدام از اینها قوانین خودش را دارد. در زمان تأسیس، در حالی که یک آموزشگاه آزاد بنا شده بود، به اشتباه «هنرستان ادبیات داستانی» سر زبانها افتاد. حتی من یکی - دوبار با آقای جزینی در این باره صحبت کردم، اما استدلال ایشان این بود که هنرستان، یک مفهوم عام دارد. یعنی جایی که هنر در آن ترویج و تدریس می‌شود. طبیعتاً کسانی هم که به اینجا می‌آیند، فقط برای یادگیری و آموزش نیامده بودند؛ مراجعه آنها برای دریافت مدرک دیپلم بود. در حالی که در اینجا دروس عمومی تدریس نمی‌شد و جایی می‌تواند مدرک صادر کند که تمام دروس عمومی و تخصصی را داشته باشد. تعجب من از این بود که آقای جزینی که خودشان نیروی باسابقه آموزش و پرورش هستند، چرا این قدر نسبت به مقررات آموزشی کم‌اطلاع بوده‌اند. مثلاً مگر می‌شود ما در آموزشگاهی دخترها و پسرها را با هم درس بدهیم؟ یا یک معلم زن در آموزشگاه آزاد پسرانه به کار بگیریم؟

● **با تمام این توضیحات، سهم آموزشگاه آزاد مهارتی داستان نویسی در نظام آموزشی کشور چیست؟ آیا شما گواهینامه گذراندن دوره مهارت را صادر می‌کنید تا بچه‌ها بعد از معرفی به واحدی که دروس الزامی و عمومی‌شان را در آنجا گذرانده‌اند، دیپلمشان را از آنجا بگیرند؟**

ما در سال جدید، مجوز تأسیس هنرستان ادبیات داستانی را هم گرفته‌ایم و نمی‌خواهیم بچه‌ها گواهی دوره مهارتشان را بگیرند و برونند. بلکه آنها می‌توانند دروس عمومی را هم در هنرستان بخوانند و از آنجا دیپلم بگیرند. البته ممکن است کسی بخواهد گواهینامه مهارتش را بگیرد و دروس الزامی‌اش را در جای دیگری بخواند یا آن دروس را تمام کرده باشد و برای دریافت گواهینامه مهارت به اینجا مراجعه کند.

● **پس هر دو صورت امکان پذیر است.**

یعنی هم شما می‌توانید دیپلم صادر بکنید و هم هنرستانهای دیگر می‌توانند دیپلم داستان نویسی بدهند.

بله. این یک دستورالعمل سراسری و پذیرفته شده است. البته گاهی مشکلاتی هم پیش می‌آید.



● **ما در سال جدید، مجوز تأسیس هنرستان ادبیات داستانی را گرفته‌ایم و نمی‌خواهیم بچه‌ها گواهی دوره مهارتشان را بگیرند و برونند. بلکه آنها می‌توانند دروس عمومی را هم در هنرستان بخوانند و از آنجا دیپلم بگیرند.**

چون بعضی‌ها هنوز این دوره مهارت را به نام ادبیات داستانی می‌شناسند، در حالی که در آموزش و پرورش با عنوان داستان نویسی به ثبت رسیده و برای آن کد گذاشته‌اند. همین دیروز، یک نفر به من زنگ زد که اپراتور کامپیوتر آموزش و پرورش، رشته ادبیات داستانی را نمی‌شناسد. من، نام آن را اصلاح کردم و اطلاعات لازم را به آن متصدی دادم. اما برای اینکه چنین مشکلاتی پیش نیاید، هنرستان روزانه و بزرگسالان ادبیات داستانی را تأسیس کردیم تا مهارت جویان ما دروس عمومی‌شان را در همین جا بگذرانند و دچار مشکلی نشوند.

● **هر چند باید این پرسش را با مدیر قبلی مطرح می‌کردیم، اما شما در این مدت کوتاه باید عملکرد چهار سال گذشته را فهمیده باشید. به عبارتی تولید چهارساله آموزشگاه از مهرماه ۷۷ تا شهریور ۸۱ چقدر بوده است؟**

عددش متغیر است چون متأسفانه ثبت نشده است. یکی از ضعف‌های یک واحد آموزشی این است که ورودی و خروجی‌اش معلوم نباشد و نداند چند نفر با چه سطحی وارد شده‌اند و چند نفر با چه سطحی بیرون رفته‌اند. در عین حال، آنطور که من متوجه شده‌ام، این آموزشگاه در ورودی اول، ۱۵۰ ثبت‌نامی داشته است.

● **یعنی در سال تحصیلی ۷۸-۷۷؟**

چون آموزشگاه آزاد است، چنین قاعده‌ای ندارد. در اینجا مهارت‌جو می‌تواند ورودی هر ماهی باشد و در تابعیت سال تحصیلی قرار نگیرد. باید ۲۱ ساعت آموزش ببیند. ساعت حضور و تشکیل کلاسها هم می‌تواند توافقی باشد.

● **دوباره ورودی‌های اول می‌گفتید.**

از آن ۱۵۰ نفر، حدود ۴۵ نفر در آزمون جامع شرکت کرده‌اند که تقریباً تمامشان پذیرفته شده‌اند؛ حدود ۴۰ نفر.

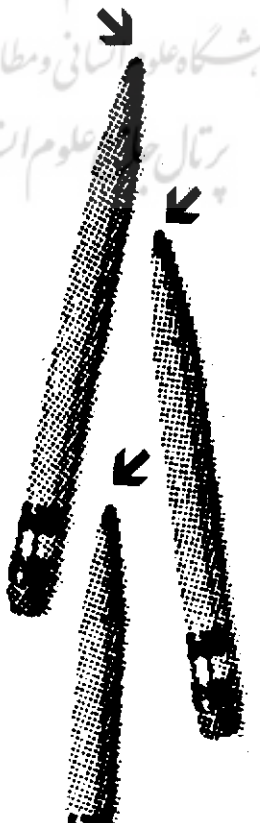
● **از نظر شما، ۱۵۰ ورودی و ۴۰ خروجی آمار خوبی می‌تواند باشد؟**

این را باید آقای جزینی بگویند، اما یک مشکل در همین زمینه وجود دارد. کسی که بخواهد در آموزشگاه آزاد نام‌نویسی کند، نیازی به ارائه تمام مدارکش نیست و یک قطعه عکس و تصویر شناسنامه کفایت می‌کند، اما در دوره‌های قبل، دوستان به اشتباه مدارک کامل افراد را دریافت می‌کردند.

● **این قضیه چه مشکلی را به وجود می‌آورد؟**

انتظارات را بالا می‌برد. چنین به نظر می‌رسد که آموزشگاه آزاد - که فقط اختیار صدور گواهینامه مهارت دارد - می‌تواند مدرک دیپلم آنها را نیز صادر کند که همین موضوع، سردرگمی بچه‌ها را در پی داشته است.

● **حالا شرایط عمومی ورود به این آموزشگاه چیست؟ آیا کسی که می‌خواهد این مهارت را پیدا کند، باید اول دروس**



## عمومی و الزامی اش را بگذرانند؟

سؤال خوبی مطرح کردید. به جرئت بگویم خیلی از مشاوران ما هم جواب این پرسش را نمی‌دانند. حتی اگر از کارشناسان آموزش و پرورش هم بپرسید که آیا می‌شود کسی وارد آموزشهای مهارتی بشود، در حالی که هنوز وارد دوره متوسطه نشده است، پاسخشان منفی است، چون مهارت، یعنی آموزشهای تخصصی دوره متوسطه. آن وقت چطور می‌شود کسی که وارد این دوره نشده، مهارت ببیند؟ اما ما پاسخمان به هر دو سؤال، مثبت است، چون قانون این اجازه را به ما می‌دهد. وقتی مدارک مهارت‌جو را نمی‌خواهیم، کاری نداریم که او دیپلم دارد، سیکل دارد، پایان ابتدایی دارد یا... شرایط ما داشتن اینها نیست. ما می‌گوییم: گزینش داریم، مصاحبه داریم و به مدرک تحصیلی کاری نداریم. شما می‌توانید با تحصیلات کمتر از سیکل به آموزشگاه ما مراجعه کنید و دوره مهارت را سپری کنید. بعد، وقتی که به متوسطه رفتید، فقط عمومی‌ها را بخوانید. شاید این حرفی که می‌زنم بازتاب وسیعی ایجاد کند. الان سیستم آموزشی کشور ما ۳، ۳ است؛ یعنی پنج سال ابتدایی، سه سال راهنمایی و سه سال متوسطه. در حالی که شما می‌توانید این سیستم را در بخش آخر، از سه سال به یک‌ونیم‌سال کاهش دهید.

## ● چگونه چنین چیزی امکان‌پذیر است؟

یک دانش‌آموز سال سوم راهنمایی می‌تواند صبح به مدرسه برود و عصر در کلاسهای مهارت داستان‌نویسی شرکت کند تا همزمان با تمام شدن دوره راهنمایی، گواهی مهارتش را هم دریافت کند. با این حساب، او ۴۶ واحد از ۹۶ واحد دوره متوسطه را پیش از ورود به آن سپری کرده است و باقیمانده واحدهایش را می‌تواند در یک سال و نیم به اتمام برساند. همین قدر که کسی سواد خواندن و نوشتن داشته باشد و ما بفهمیم که کشش و قدرت تجزیه و تحلیل مطالب عنوان‌شده را دارد، کافی است.

## ● ما خیلی به گذشته پرداختیم و کمتر درباره وضعیت فعلی آموزشگاه صحبت کردیم. در دوره جدید، آیا سقف زمانی برای نام‌نویسی قابل شده‌اید؟

زمان ثبت‌نام در آموزشگاه آزاد هم مثل مدت گذراندن دوره مهارت، تابع زمان، مهلت و تاریخ مشخصی نیست. مهارت‌جو هر وقت می‌تواند برای نام‌نویسی به آموزشگاه مراجعه کند. البته من ترجیح دادم اول مشکل بچه‌هایی که در گذشته مهارت‌جوی آموزشگاه بودند، حل شود و آنها به سامان برسند و بعد، مهارت‌خوان جدید جذب کنیم.

## ● عمدتاً چه مشکلاتی بوده؟

بعضی‌ها فکر کرده بودند امتحانات ترمی‌شان همان امتحان جامع است و بعضی‌ها دوره را تمام کرده بودند، اما گواهینامه‌شان را نگرفته بودند. برای آنها هم که به علت این تحولات نتوانسته بودند آزمون جامع بدهند، آزمون مجدد گذاشته‌ایم

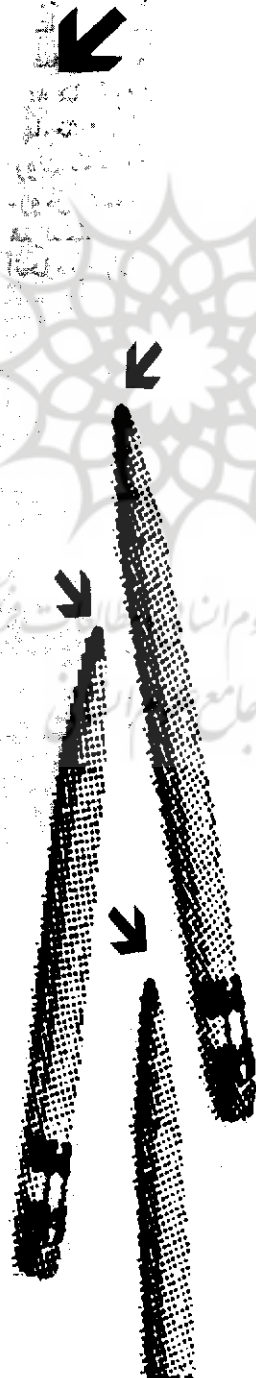
## ● الان سیستم آموزشی کشور ما به چه سمتی است؟ پنج سال ابتدایی، سه سال راهنمایی و سه سال متوسطه. در حالی که شما می‌توانید این سیستم را در بخش آخر از سه سال به یک‌ونیم‌سال کاهش دهید.

که فکر می‌کنم مشکل تمام اینها تا دی ماه تمام بشود و ما دوره جدید را شروع کنیم.

● برای این دوره جدید چه کرده‌اید؟ فعلاً فقط برای آن اطلاع‌رسانی کرده‌ایم. در حال بستن قراردادی با آموزش و پرورش هستیم که افرادی را که علاقه‌مند به داستان‌نویسی هستند، به ما معرفی کنند. قراردادهایی با سازمانها و نهادها از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهیم بست که دوره جدید با توان و پشتوانه تبلیغی مناسب آغاز به کار کند. البته ما انتظارمان، تشکیل دو کلاس ۳۰ نفری است که قطعاً مراجعه کافی خواهیم داشت. پیش‌بینی ما این است که آزمون نهایی این دوره را هم دیماه سال بعد برگزار کنیم.

● این تصور پیش می‌آید که بچه‌ها به لحاظ آسانی و سهولتی که نسبت به داستان‌نویسی متصور هستند، برای گذراندن دوره مهارت آن به اینجا می‌آیند تا به راحتی به مدرک تحصیلی دیپلم دست یابند. شما در جذب و انتخاب مهارت‌جویی که هدفی غیر از این دارد و میلش به این رشته به جهت علاقه او به داستان‌نویسی است، چقدر دقت به خرج می‌دهید؟ یعنی شما داستان‌نویسن تربیت می‌کنید یا صرفاً محلی برای گذراندن دوره مهارت یکی از رشته‌های متوسطه راه انداخته‌اید؟

سؤال خوبی است. به نظر من - فکر می‌کنم مسئولان ستادی حوزه هم با من هم‌عقیده باشند - اساساً حوزه هنری، وظیفه آموزش ندارد. این کار به عهده وزارت آموزش و پرورش است. تربیت هنرمند هم در وظایف وزارت ارشاد تعریف شده است. پس ما چه کاره‌ایم؟ یک خلأیی در کشور وجود دارد که آن، تربیت هنرمند متعهد است. اگر به حوزه هنری گفته‌اند که نباید مدرسه بزند یا دانشگاه راه بیندازد، به این خاطر نبوده که صرفاً گروهی از دانش‌آموزان و دانشجویان را دارای مدرک کند؛ بلکه خلا تعهد باعث این امر شده است. آموزشگاه آزاد، هنرستان یا هر دستگاه آموزشی دیگر در حوزه هنری برای جذب است. سیاست هدف و انگیزه اصلی تربیت هنرمند متعهد است. اگر ما بتوانیم حتی به تعداد انگشت‌شمار داستان‌نویس متعهد تربیت کنیم، وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم. حتی از آن ۱۵۰ ورودی اول، چهار نفر نویسنده با تعهد ساخته باشیم، حوزه هنری هم دنیایش را آباد کرده و هم آخرتش را. برای همین، من به واحد ادبیات خودمان نامه‌ای نوشته‌ام و از آنها درخواست استادان توانا و نامی کرده‌ام. گزینشمان را هم خیلی جدی برگزار می‌کنیم تا آن اتفاقی که منتظرش هستیم، بیفتد. ان‌شاءالله با کمک تمام بخشهای حوزه اعم از ناشر و نویسنده و کارشناس و چاپخانه از بین ۶۰ نفری که انتظار نام‌نویسی‌شان را داریم، شش داستان‌نویس متعهد و از میان آنها یک شهید اوینی تربیت کنیم. ● این چیزی که شما در دوره جدید به



دنبالش هستید، در ادوار گذشته، یعنی در چهار سالی که این آموزشگاه پشت سر گذاشته، چقدر محقق شده است؟ البته یک چیزی را هم بگویم و آن این است که تربیت هنرمند متعهد، مقوله ای کلی است. بله. قبول دارم که «متعهد» یک واژه کلی و قابل نقد است، اما درباره گذشته نمی توانم نظر بدهم چون آنجا نبوده ام؛ اما در مجموعه ای که خودم بودم، می بینم که از هنرستان ما در جشنواره دفاع مقدس، هفت - هشت تا کار موجود است. این یعنی همان چیزی که انتظارش را داشتیم. من برای همین می گویم که باید ورودی و خروجی کار معلوم باشد. جهت اطلاع شما بگویم که ما شرکتی را با نام فارغ التحصیلان هنرمند به ثبت رسانده ایم که بچه های فارغ التحصیل ما پس از تمام شدن دوره هایشان رها نشوند. عضویت در این شرکت نه شرایط خاصی دارد و نه هزینه ای. به فرض اگر از نشریه ای به ما زنگ بزنند و داستان نویسی بخواهند، روزنامه نگار بخواهند یا هر تخصصی که در حیطه کاری ما باشد، به آنها معرفی می کنیم. ما اگر استادی بیابیم که خوراک فکری، اعتقادی و علمی مناسب بدهد، فضا، آدمها، نیروها و بستر خوب فراهم بکنیم، در داستان نویسی هم همان نتایجی را می گیریم که در رشته های دیگر گرفتیم.

● شما فکر نمی کنید زمان پاشیدن این بدر تا به بار نشستنش آن بیشتر از فرصتی است که در اختیار تان هست؟ چون شما گفتید که بچه های این ۴۶ واحد را در یک سال سه ری می کنند.

خیلی سخت است و واقعاً زمان زیادی برای تحقق این تربیت لازم داریم، اما این مشکل را با سخت گیری در گزینش مهارت جو میران کرده ایم، چرا که سیستم آموزشی ما مثل مراکز دیگری مانند بنیاد شهید که مدارس شاهد را از ابتدایی تا پایان دوره متوسطه برقرار کرده و دانشگاه هم راه انداخته، نیست و ناگزیریم هر چه می کنیم در همین زمان کوتاه باشد. البته یک چیزی ناگفته نماند، نظام آموزشی بحث مهارت های داستان نویسی را برای دوره متوسطه در نظر گرفته است، ای کاش می شد ما از ابتدایی هنر جو می گرفتیم تا در یک دوره آموزش درازمدت به آن اهداف می رسیدیم.

● برای دوره جدید از چه اساتیدی استفاده می کنید؟  
در این زمینه، واحد ادبیات حوزه، همکاران و استاد های باتجربه ای دارد که عاقلانه این است که از حضور و وجود آنها استفاده کنیم. همیشه این سوال برای من وجود داشت که چرا دوستان در دوره های گذشته از آنها بهره مند نشده اند. چرا وقتی ما دریایی از امکانات انسانی در اختیار داریم، از آن استفاده نکنیم. نامه ای که من به واحد ادبیات نوشته ام با پاسخ مثبت عزیزان روبرو شده و قرار است ما در سهایمان را با گرایشها و عناوینش به آنها اعلام کنیم تا دوستان به ما استاد معرفی کنند. حتی اگر بعضی از آنها در حوزه نباشند، از بیرون

● اگر به حوزه هنری گفته اند که باید مدرسه بزند یا دانشگاه راه بیندازد، به این خاطر نبوده که صرفاً گروهی از دانش آموزان و دانشجویان را دارای مدرک کند؛ بلکه خلا متعهد باعث این امر شده است.

به ما معرفی کنند. فکر می کنم در نهایت، ۹۰ درصد استادان آموزشگاه از نویسندگان حوزه هنری انتخاب شوند.

● چند استاد برای هر دوره در نظر می گیرید؟  
برای هر عنوان، دو استاد. دست کم ۲۰ استاد خواهیم داشت.

● خوب حالا با تمام این سرمایه گذاریها، انتخاب استادها و گزینشهای جدی، هنرمند یا نویسنده متعهدی تربیت شد. آنها را چگونه به فضای کار حرفه ای هدایت می کنید؟  
اصلاً شاخه کار و دانش باید همین سیاست را دنبال کند، یعنی تربیت نیروی کار ماهر. اساس کار ما هم بر این است که اگر فارغ التحصیل ما برای جذب بازار کار خودش به جایی مراجعه کرد، به راحتی پذیرفته شود. منتها تمام کار ما این نیست. هنرمند تربیت شده ما باید جهت و اعتقاد و در یک کلمه متعهد هم داشته باشد. اگر از او خواسته شد که مطلبی خلاف اخلاق بنویسد، زیر بار نرود. برای این منظور، ما کارگاههای فراوانی گذاشته ایم و تمام امکانات حوزه را - همانطور که گفتم - به کار می گیریم. انتشار آثار بچه ها در قالب کتاب و برگزاری نشستها و جلسات با نویسندگان از کارهایی است که برای ورود بچه ها به فضاهای حرفه ای و معرفی آنان به مجامع مختلف صورت می گیرد.

● گفتید که پیش بینی تان این است که دست کم ۶۰ نفر برای شرکت در این دوره نام نویسی کنند. اگر کمتر از این تعداد، از مهارت نویسی داستان نویسی استقبال کنند، چه می کنید؟  
ما کلاس را با حداقل ۱۵ نفر شروع می کنیم، اما صورتمان این است که بالای ۶۰ نفر می آیند. فعلاً به کسانی که علاقه مند بوده اند، فرم ثبت نام موقت داده ایم، اما تا دوره قبلی به سرانجام نرسد، دوره جدید شروع نمی شود چون ما همه عضو یک خانواده هستیم و باید به یکدیگر کمک کنیم. نباید اگر آقای جزینی از مدیریت آموزشگاه کنار رفتند، کارشان نیمه تمام بماند. ما باید این بار را برداریم.

● و اما پرسش آخر. آیا از شما باید انتظار یک مدیر اجرایی داشته باشیم یا کسی که در او می توان توانمندیهای قلمی هم یافت؟  
من لیسانس کارگردانی سینما و فوق لیسانس مدیریت دارم. حدود ۲۰ سال است که در حوزه هنری هستیم و پنج سال مدیر آموزشگاهها بوده ام، اما آنچه ضروری است این نیست که اگر کسی مدیریت یک مجموعه آموزشی چندرشته ای را داشت، کمر تک آنها بخصص داشته باشد، بلکه از او یک نقش هماهنگ کنندگی انتظار دارند. البته نه اینکه او هیچ چیز ندارد و تحصیلات، تجربه ها و سوابق هیچ ربطی به مسئولیتش نداشته باشد. به هر حال فکر می کنم باید دیگران درباره صلاحیت من نظر بدهند، اما قطعاً اگر مثلاً لیسانس مکانیک بودم، این مسئولیت را نمی پذیرفتم.

